

مهر نامه‌ای از سده سیزدهم ه.ق

بهناز رضایی

مهرنامه یا قباله ازدواج از جمله اسناد شرعی است که با ساختار ساده و زیبایی خود به امر مقدس ازدواج که در دین اسلام بر آن تأکید فراوان شده می‌پردازد. این اسناد اغلب به شکل طومار، مربع و دفتری نوشته می‌شد؛ تزئینات آن منحصر به جدول و تذهیب ساده یا مفصل و خط خوش کاتبی نامعلوم با رنگ های سیاه، لاجورد، سنگرف و ... بود.

همه قباله‌ها با حمد و ستایش پروردگار و دیباچه‌ای که دارای توصیفات ادبی، آیات قرآنی و یا احادیث دینی است آغاز می‌شد. سپس به معرفی زوج و زوجه با صفاتی مشخص می‌پرداختند. به عنوان مثال برای زوجه از صفات بالغه، باکره، رشیده، مختاره و... که نشان‌دهنده ویژگی‌های وی مانند بلوغ، عفاف و ... بود. در این ازدواج‌ها که تنها به دلیل مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی می‌داد، گاهی زوج به بلوغ جسمی و فکری لازم نرسیده بود و به ناچار وارد زندگی می‌شد که با هیچ یک از مهارت‌های آن آشنایی نداشت. اما در مورد صفت مختاره به جرئت می‌توان گفت زوجه به طور واقعی از آزادی انتخاب برخوردار نبوده و آنچه صورت می‌گرفت بر اساس انتخاب والدین به ویژه پدر خانواده بود و دختر باید علیرغم میل باطنی تن به ازدواجی می‌داد که شاید نه تنها اصلاً خانواده زوج را نمی‌شناخت بلکه تا روز جشن ازدواج، همسر آینده را نیز ندیده بود.

از دیگر موارد، معرفی پدر طرفین ازدواج است که علاوه بر مشخص کردن نسب زوج یا زوجه شأن و مرتبه اجتماعی دو خانواده را نشان می‌دهد که هم شأن و هم طراز بوده‌اند.

بخش مهم هر عقدنامه را صدق یا مهریه تشکیل می‌دهد و از سه منظر یعنی جایگاه اجتماعی، موقعیت اقتصادی طرفین و حتی به دوراندیشی خانواده عروس برای آینده فرزندشان در صورت وقوع طلاق اشاره دارد. اما مبلغ و نوع مهریه در جوامع شهری و روستایی متفاوت است. به عنوان مثال در جامعه شهری وجه

نقد رایج، چند مثقال طلا، منزل مسکونی و یا بخشی از آن با حدود و متصرفات و زمین یا باغ با تعیین حدود آن است. در روستاها نیز مشابه شهرها است البته میزان آن اندکی کمتر و در طوایف مختلف، احشام و دست‌بافت‌ها مهر عروس را تشکیل می‌داد که البته همگی به سطح طبقاتی طرفین بستگی داشت. از دیگر مواردی که حائز اهمیت است شروط ضمن عقد است که در بعضی مهرنامه‌ها محل سکونت بر اساس انتخاب زوجه تعیین می‌شد. سپس نوبت به شهود می‌رسید. شهود این نوع مناقحه شرعی و اسلامی را بزرگان قوم، روحانی و بر اساس شأن و منزلت خانواده‌های طرفین افراد سرشناس تشکیل می‌دادند که با مهرهای خود وقوع این عقد مبارک و میمون را تایید می‌کردند. آنچه در نگاه اول بدون مطالعه متن یک قباله ازدواج مشهود است جایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده زوج و زوجه بر اساس شکل ظاهری آن است. هر چه سطح طبقاتی طرفین بالاتر بود بر اساس سبک رایج آن زمان عناصر ارزشمند تزئینی از جمله تذهیب‌ها و طلااندازی‌ها دارای ظرافت بیشتر و توسط اساتید خبره فن صورت می‌گرفت.

عقدنامه‌ای که در ذیل معرفی می‌شود متعلق به مجموعه شخصی خانم فرح میرزایی است. این سند مربوط به اواخر سده ۱۳ هـ.ق در ابعاد ۵/۳۴×۶۳ سانتیمتر و کاغذ آن فرنگی و دو تکه است. در این سند از چهار نوع خط: رقا در متن عقدنامه، نستعلیق در دو سطر ابتدای مقدمه و تحریری در هامش و ظهر استفاده شده. رنگ‌نویسی که یکی از عناصر اصلی در قباله‌نویسی است مشهود است و از چهار رنگ سیاه، لاجورد، طلا و شنگرف استفاده شده است. تزئینات آن منحصر به جدول و مختصر تذهیبی در قست تحمیدیه است. همچنین در ظهر سند مصالحه‌نامه‌ای در ۷ سطر و سه سَجَل وقوعی و اعترافی به خط تحریری به چشم می‌خورد. تاریخ تحریر مصالحه‌نامه به محرم سال ۱۲۸۹ ق و چهار سال بعد از وقوع عقد دلالت دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[الْحَمْدُ لِلَّهِ] ^۱ الَّذِي بِفَضْلِهِ أَحَلَّ لَنَا النِّكَاحَ وَ بَعَدَلَهُ حَرَمَ عَلَيْنَا الرِّزْنَ وَ السَّفَاحَ وَ الصَّلْوَةَ وَ السَّلْمُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَ إِلَهِ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ.

سپاس بی‌قیاس مالک الملکی را جل جلاله سزااست که ذات پاکش احتیاج از آرایش^۲ استیلا^۳ و ازدواج میراست. الَّذِي لَمْ يَلِدْ [۱] وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. و درود نامعدود و صلوات نامحدود بر پیغمبر محمود که وجود ذی جود اشرفش باعث ایجاد عالم [۲] و سبب آفرینش بنی آدم است. و صلوات زاکیات و تسلیمات و اقیات^۵ بر آل و اولاد ایجاد او در خور است که مایه مهر و محبتشان سرمایه خریداری

۱. در پارگی سند بوده و جمله مذکور در متن بر گرفته از احادیث و یا عبارات عربی در خصوص ازدواج است.

۲. آلودگی، مجازا: فسق و فجور، عیب.

۳. طلب بچه کردن، فرزند خواستن.

۴. سوره اخلاص آیه ۳ و ۴.

۵. درود پاکیزگان و نیکویان و تحیات و تکریمات وفا کنندگان به عهد.

خلد برین^۱، که ممد و موجب حوران عین^۲ فوز [۳] به علیین^۳ است. صلوات الله علیهم اجمعین.

و بعد چون امر تزویج و نکاح رکنی است از ارکان دین مبین و به حکم میمنت آثار ائمه اطهار نصف ایمان و دین بنا بر فرمان قضا ترجمان [۴] و **وَ اُنْكِحُوا الْاَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ وَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**؛ عقد مناکحه^۵ صحیحه شرعیه و مزواجه ملیه اسلامیّه واقع و متحقق شد، فیما بین [۵] **الزَّوْجِ الشَّابِّ الْمَوْفِقِ الْمَعْرُزِ الْمَكْرَمِ**^۶ و عالی، هو حضرت نیکو فطرت **آقا محمد مهدی** ولد ارجمند محامد^۷ و محاسن آداب، آقا محمدعلی و کیله [۶] جناب عاقدہ و الزَّوْجِ الْبَاكِرِينَ الْبَالِغَةَ الْعَاقِلَةَ الرَّشِيدَةَ^{۱۰} المختارة و هی علیاحضرت المخدرة^{۱۱} المکرمة **فاطمه سلطان** صبیته^{۱۲} مرضیه جناب مستطاب^{۱۳} حقایق و معارف و آداب، سلاله السادات الانجاب^{۱۴} [۷] آقا سید هاشم زید فضلہ^{۱۵} و کیلها عاقدها؛ علی الصداق^{۱۶} المعین المعلوم قدره مبلغ سی تومانی رایج از قرار ریال ناصرالدین شاهی دانه بیست و شش نخودی یک هزار دیناری [۸] و موازی^{۱۷} پانزده مثقال^{۱۸} طلاء حراء لینه^{۱۹} به مثقال صیرفی و مقدار سه من^{۲۰} به وزن شاه، مسینه آلات ساخته پرداخته مقوم^{۲۱} به مبلغ هفت تومان و پنج

۱. بهشت بالابین.

۲. منظور حورالعین است: زنان با پوست سفید و چشمان فراخ و موی سیاه.

۳. جای کروبیین در آسمان هفتم.

۴. سوره نور آیه ۳۲: و البته باید مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر درآورد تا میان مومنان مرد بی زن و زن بی شوهر باقی نماند و از فقر مترسید که اگر مرد و زنی فقیرند خدا به لطف خود آنان را غنی و بی نیاز خواهد فرمود که خدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع است.

۵. نکاح.

۶. مرد جوان.

۷. عزیز.

۸. گرامی.

۹. جمع محمدیه، کردارهای نیک و ستایش‌ها.

۱۰. خوش قد و قامت.

۱۱. زن با حجاب و پرده‌نشین و پاکدامن و با شرم و حیا.

۱۲. دختر.

۱۳. از القاب و عناوین بزرگان که در مخاطبه یا مکاتبه به کار می‌بردند.

۱۴. نسل گرامی گوهران.

۱۵. افزون باد علم و فضل او.

۱۶. مهریه.

۱۷. برابر و مساوی.

۱۸. ۶۴/۴ گرم.

۱۹. طلایی با کیفیت بالا و نرم.

۲۰. اساس وزنی بوده و سپس نام پولی گردید و به مرور زمان نزد اقوام مختلف ارزش‌های مختلف پیدا کرد.

۲۱. قیمت کرده شده، ارزیابی شده.

هزار موصوف [۹] و تمامی یک دست رختخواب قلمکار عمل اصفهان مقوم به مبلغ چهار تومان موصوف و تمامت یکدست [۱۰] فرش اطاق که عبارت از یک فرش قالی میان فرش و یک زوج کناره نمد و یک فرش نمد^۱.

و سند تمامت نصف مشاع از دو قطعه زمین [۱۱] سادج^۲ واقعه در وسطگاه^۳ تحت قناتین بردبن^۴ و چرکن^۵ که قطعه از آن دو جریب^۶ اراضی است و قطعه دیگر آن پانزده قفیز^۷ اراضی است که محدود است قطعه [۱۲] پانزده قفیزی به زمین ملا عبدالله و به شارع^۸ و به زمین عالی شأن آقا عباسعلی و به نهر و محدود است قطعه دو جریبی که مشهور است بلاجین^۹ [۱۳] حدی به زمین عالی شأن آقا میرزا حسین و به رودخانه و به لاشوره^{۱۰} و به نهر و تمامی نصف مشاع از بیوتات متصرفه^{۱۱} والد به زوج و والده زوج از [۱۴] تحتانی و فوقانی و حصه^{۱۲} محوطه منبت^{۱۳} بید واقعه در محله سرچشمه^{۱۴} مشتمله بر پنج باب فوقانی و تحتانی با حصه سراسر و پله و بیرونی و اندرونی [۱۵] و تمامی نصف مشاع باغ معین تحت قناتین مزبورترین که کل قطعه باغچه سته^{۱۶} قفیز اراضی می‌باشد محدود به باغ جناب ملاعبدالله از دو طرف و به خیابان مشترک و به باغ [۱۶] عالی شأن آقا محمداسماعیل محمد^{۱۵} و تمامت نصف مشاع از یک قطعه باغچه واقعه

۱. در متن بالای نمد به خط دیگری چنین آمده: «مقوم به مبلغ هفت تومان موصوف». به نظر می‌رسد این متن بعداً توسط شخص دیگری به متن اضافه شده.

۲. سادج یا ساوج نام مکان است. در فرهنگ دهخدا لغت ساوه را چنین تعریف کرده: رستاق ... و مراد به رستاق ساوه شهرستان ساوه نیست که از کوره همدان است بلکه غیر آن است و الیوم شهری است که آن را میلادجرد می‌خوانند و این دو رستاق ساوه می‌خوانند یکی از رستاق اصفهان بوده است و آن دیگر از همدان و حد این دو رستاق به یکدیگر متصل است و هر دو را ساوه می‌خوانند و فرق ایشان به اصفهان و همدان است و چنین گویند که ساوه اصفهان و ساوه همدان و مثل این بسیار است.

۳. در وسط.

۴. نام مکان.

۵. نام مکان.

۶. از زمین ۱۴۴اگر باشد و چهار قفیز است و قفیز ۱۴۴اگر است. مأخوذ از تازی مقداری از زمین که معادل هزار ذرع باشد حاصل ضرب پنج در دویست و مردم تهران ۶۷۵ ذرع زمین مزروع را یک جریب گویند یعنی حاصل ضرب پانزده در چهل و پنج.

۷. ۱۴۴اگر.

۸. خیابان. در قسمت دیگری از متن کلمه خیابان را به کار برده است.

۹. اسم مکان.

۱۰. اسم مکان.

۱۱. سهم و قسمت.

۱۲. رستن گاه گیاه و محل روییدن گیاه، جمع: منابت.

۱۳. اسم مکان.

۱۴. شش.

۱۵. آقا محمد.

در سرچشمه تحت نهر لا^۱، که تقریباً دو قفیز اراضی است با حصه اشجار مثمره و غیر مثمره [۱۷] محدود به قطعه آقا محمدرضا و ملا محمد صادق و به ورثه آقا شیخ علی و به قطعه ورثه آقا میرزا جعفر. مناکحه صحیحه شرعیّه و مزواجه ملیّه اسلامیّه [۱۸] علی طبق کتاب الله الکریم و به مضمون صدق مشحون^۲ شرع مستقیم مشتمله علی الایجاب و القبول الشّرعیین به حیث صارت المسماة^۳ المخدرة لهذا [۱۹] العقد المبارکة زوجة دائمه للزوج المزبور. و کان تحریر ذلک فی لیله سادس و عشرين^۴ [۲۰] فی شهر ذیحجه الحرام مطابق سنه ۱۲۸۵ خمس و ثمانین و ماتین بعد الالف علی هاجرها الف تحیه [۲۱].

مهر: یا علی

در هامش:

مقرراً توضیح آنکه اعیان مفصله متن بعد از انتقال از جانب [۱] والد و والده زوج جزو صدق و داخل شد تا واضح باشد [۲] و کان التحریر فی لیله السادس و العشرین شهر ذی الحجه الحرام من شهر ۱۲۸۵. [۳]

مهر: یا علی

مهر: عبده ابوالقاسم بن علی الموسوی

مهر: الراجی محمد ابن محمد جعفر رفیع

توضیح آنکه چون دو دانگ از پنج باب خانه‌های مسطوره اختصاص به والده زوج داشت [۱] امضا نمود بنابراین جناب آقا علی سه دانگ نیم از اطاق مردانه واقعه در عمارت [۲] مزبوره سمت چشمه موسومه به چشمه بداق^{۴۸} را با کافه ملحقات و نصف دیگر از باغچه و سمت [۳] نهر لا را به انضمام نصف دیگر از باغ معین را والد زوج به عوض بداد که الحال یکدانگ [۴] از آن پنج باب و سه دانگ و نیم از اطاق و تمامی باغچه تحت نهر لا و تمامی باغ معین و نصف [۵] دو قطعه زمین جزو صدق است که والد زوج به زوج مزبور مصالحه نمود و پس از [۶] انتقال به زوج او جزء صدق نمود تا واضح باشد و ذلک فی التاریخ المرقوم.

مهر: یا علی

شهود تعیین صدق و توکیل الزوج و الزوجه [۱]

عالیجناب آقا علی والد الزوج و شفقت شعار آقا زین العابدین ابن عمه [۲]

مهر: یا علی

و عالیجناب آخوند ملا جعفر آقا رفیع

۱. پر شده، انباشته شده.

۲. تانیث مسمی، نامیده شده.

۳. بیست و ششم.

۴. نام مکان.

۵. اول ماه.

مهر: الراجی محمد ابن محمد جعفر رفیع

و عالیجناب آخوند ملا میرزای آقا محمد ابراهیم [۳]

مهر: میرزا محمد ابن محمد ابراهیم

و عالیجنابان آقا میرزا حسن و آقا سید عبدالرسول خلفان غفران ایاب آقا سید جعفر [۴]

و عالیجناب آقا میر محمد صادق بن مرحمت مآب آقا میر محمد تقی

مهر: محمد صادق الرضوی

و آقا میرزا ابوالقاسم اخ الزوجه [۵]

و عالیجناب آقا میرزا جعفر بن رضوان مکان آقا سید مهدی

و آقا علی اکبر بن آقا محمد [۶]

مهر: نامشخص

و آقا ابراهیم بن مرحوم مبرور آقا حسین

عالیحضرات آقا میرزا حسین و آقا محی و خلفان مرحمت مآب و آقا علی [۷]

مهر: محمد شریف بن محمد علی

و جناب آقا سید حسن بن مرحمت مآب آقا سید محمد

مهر: محمد ابن حسن الرضوی

و جناب آقا میرزا جعفر بن مرحمت مآب آقا میر ابراهیم [۸]

مهر: محمد جعفر بن محمد ابراهیم الموسوی

و عالیجناب مرتضوی انتساب آقا میر علی اکبر بن غفران ایاب

آقا سید محمد [۹]

مهر: علی اکبر بن محمد الرضوی

و جناب آخوند ملا محمد تقی بن غفران ایاب آخوند ملا محمد و [۱۰] [؟]

عالیحضرت گرامی مرتبت آقا محمد ابراهیم بن مرحمت مآب آقا اسمعیل [۱۱].

عالیشان آقا فتح الله خلف رضوان مکان آقا محمد باقر [۱۲]

جناب آقا میرزا جعفر ابن مرحمت مآب آقا مرتضی [۱۳]

مهر: جعفر ابن حسن الموسوی

عالیجناب فضایل مآب آقا سید هاشم اب الزوجه [۱۴].

ظهریه:

در ظهر قباله فوق الذکر سه سجل و سه مهر به شرح زیر مشهود است:

سجل وقوعی بالای متن سمت راست: وقع ذلك لدى و حرره العبد الذليل

مهر: الراجی اسمعیل [؟]

سجل وقوعی بالای متن سمت چپ: [؟] ذلك [؟]

مهر: الراجی میرزا اسمعیل بن محمد

سجل اعترافی حاشیه سمت چپ: اعترفت المسماء المرقومه و كذلك ابنه آقا محمد حسن بما

فیه لدی الحقیر

مهر: الواثق بالله محمد اسمعیل بن عبدالله

حاضر شدند آقا محمد حسن و والده او صبیہ آقا امیر بیک و مصالحه شرعیہ نمود در حق [۱] عالیجناب آقا سید هاشم [؟] حق را که داشتند بر اعیانی که جزء صدق مسماء مزبوره در ظهر بود [۲] حتی باغچه سرچشمه و اشجار تا نبات در آن از صنوبر و غیره و سایر ملحقات به مصالح به مبلغ [۳] پنج هزار چنار موصوف در ظهر و قبول مصالحه را جناب متصالح مشارالیه نمود و صیغه [۴] شرعیہ جاری شد و مال المصالحه واصل گردید و شرایط صحت متحقق شد و سقط دعوی [۵] مسماء مزبوره و والد او آقا محمد حسن از قاطبه [؟] باشد چه آنچه در متن کتاب مرقوم است [۶] و چه در هامش کتاب و ذلک فی یوم دوشنبه ۴۹ شهر محرم الحرام یکهزار و دو بیست و هشتاد و نه ۱۲۸۹.

سجلات: قبل از شروع متن اصلی دو شاهد که از اهمیت ویژه‌ای نزد خانواده‌های زوج و زوجه برخوردار بودند عبارات ذیل را که در طرفین تزئینات بالای سند است، مهر نمودند. آنچه از متن برمی‌آید عبارت سمت راست مربوط به وکالت زوج و سمت چپ مربوط به وکالت زوجه است.

کتیبه بالا سمت راست:

بعد مما وکلنی الزوج بالمهر المرقوم کما فصل فی المعاش اعیانها صدرالقبول منی وکاله اللهم الف بینهما و طیب نسلهما و بارک لهما بحق محمد و اله.

مهر: ابوالقاسم بن علی الموسوی

کتیبه بالا سمت چپ:

غب توکیل الزوجه و ابوها ایای اوقفتم الایجاب العیون علی الدیتون المرقوم فی متن الكتاب و اعیان المرقومه فی هامش الكتاب عند المصالحه المزبوره رب الف بینهما و بارک لهما و طیب نسلهما و حرره العبد الذلیل و [؟]

مهر: الراجی محمد ابن محمد جعفر رفیع

منابع:

فضائی، حبیب‌الله: **اطلس خط**، اصفهان، ۱۳۵۰.
پاپلی‌یزدی، محمدحسین: **فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور**، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.

قباله‌های ازدواج سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری در موزه نگارستان: تهران، ۲۵۳۵.

الهی قمشه ای، مهدی (ترجمه): **قرآن کریم**، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۵.
علی‌اکبر، دهخدا: **لغتنامه دهخدا** (الکترونیکی).
جدی، جواد: **مهر و حکاکی در ایران**، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۵.





پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲۰، ش ۷ / بهار ۱۳۸۹